

بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و بیانیه‌های تبلیغاتی در بمب‌گذاری‌های سیستان و بلوچستان

سبحان رضایی^۱ - حسام الدین آشتا^۲ - محمود شهابی^۳ - ابوتراب طالبی^۴

چکیده

خشونت سیاسی، کنشی جمعی است که هدف و بهانه‌های دستاویز آن به لحاظ نمادین، اجتماعی و نه شخصی می‌باشد و در این میان، بمب‌گذاری، نمادین ترین گونه ممکن است. در همین راستا، این مقاله به دنبال آن است که با ارائه ملکی ارتباط‌شناختی، فرایند بمب‌گذاری را به مثابه یک واقعه رسانه‌ای مورد مطالعه قرار دهد و این نوع نگاه را در بررسی اهداف، معانی و گفتمان خشونت سیاسی عملیات‌های بمب‌گذاری سال‌های (۱۳۸۷-۱۳۸۹) در استان سیستان و بلوچستان ایران بسط دهد. مقاله حاضر بر اساس مدل ارتباط‌شناختی بمب به مثابه واقعه رسانه‌ای طراحی شده و به دنبال بررسی نحوه رمزگذاری گروه معارض در عملیات بمب‌گذاری می‌باشد. در این میان، به منظور استخراج معانی و مضامین مقوم گفتمان مشروعیت‌بخش این نوع خشونت، از روش تحلیل محتواهای کیفی مضمونی بهره‌برداری شده تا با اینکا بر آن بتوان به کدگذاری و کشف شاخص‌های معنایی اصلی در محتواهای این مقوله‌های کلامی پرداخت.

وازگان کلیدی

گفتمان مشروعیت‌بخش، خشونت سیاسی، واقعه رسانه‌ای، مدل بمب به مثابه واقعه رسانه‌ای، اهل سنت

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۰۱

۱. کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
sm.rezaee@yahoo.com

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع)
hesamodin@gmail.com

۳. استادیار جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
mshahabi88@gmail.com

۴. استادیار جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
tatalebi@yahoo.com

مقدمه

شال سبزدهم، شماره هفدهم، نهم ۱۳۹۶

افراطگرایی دینی اهل سنت خوانش گذشته محور سیاست و دین است که با نگاهی حسرت‌آلود به تجزیه سنت دینی و ترکیب آن با کنشگری سیاسی و فناوری‌های جدید می‌پردازد؛ این امر بر مبنای بازسازی اصل جهاد، مشروعیت‌بخشی مذهبی به سیاست‌ورزی و طرد و تقابل با «دیگران» امکان‌پذیر شده است.

از اواخر قرن نوزدهم میلادی، گروه‌های تندروی اهل سنت در جوامع خود ظهور کردند، که از جمله آنها می‌توان به محمد بن عبدالوهاب در عربستان، مکیوهان در شمال شرقی چین و شیخ محمد بن علی السنوسی در شمال آفریقا اشاره کرد که رشد خویش را در طول قرن بیستم نیز در کشورهای مختلف اسلامی تداوم بخشیدند (گل محمدی، ۱۳۸۹). در ایران اگر چه جنبش اهل سنت به صفت مذهبی خود در سال‌های پیش از انقلاب ظهور چندانی نداشت، ولی در تقابل با به قدرت رسیدن گفتمان شیعی در اواخر دهه ۷۰ میلادی تقویت شد. چرا که هم از طرفی نگاه احیاگرایانه دینی را در قالب حاکمیت دینی تأیید می‌کرد و هم از طرف دیگر - با وجود تمام مراقبت‌های رهبران حکومت در ایران - اختلاف میان تشیع و تسنن را آشکار می‌نمود. در سال‌های اخیر، این رویکرد دینی در مناطق سنی‌نشین ایران، به خصوص بلوچستان، با هویت‌های قومی تلفیق و به گفتمانی برای توجیه خشونت‌های سیاسی بدل شده است. گروه‌های تروریستی این مناطق حاشیه‌ای، همچون گروه موسوم به جندالله در بلوچستان در عین اتخاذ سنت‌های افراطی سلفی‌گری، گفتمان حاکمیت دینی در ایران را نیز به صورت معکوس تکرار می‌کنند: به بیان دیگر، آنها بر پایه اختلاف میان تشیع و تسنن، از همان گفتمان دینی و سیاسی جمهوری اسلامی بهره می‌گیرند و آن را به ابزاری تقابلی برای نیل به اهداف دینی - قومی خویش در برابر حکومت مرکزی بدل می‌کنند.

اهل سنت در ایران

تا زمان صفویه، مذهب اکثریت مردم ایران، تسنن بود و شیعیان به صورت پراکنده در نواحی و شهرهایی چون مازندران، قم، کاشان، ری و سبزوار حضور داشتند و سخت‌گیری دولتهایی چون سلجوقیان موجبات عدم رشد این مذهب را در ایران فراهم آورده بود (حسینیزاده، ۹۷۹: ۹۳). با قدرت گرفتن صفویان، مذهب تشیع در ۹۰۷ قمری (۱۵۰۱ م) در ایران به صورت مذهب رسمی درآمد و ایران شیعی از لحاظ حکومتی نسبت به دیگر مناطق جهان اسلام صورتی متمایز یافت (رضایی، آشنا، ۱۳۸۷: ۸-۱۵). در همین میان، تقابل سیاسی که بین دولت شیعی ایران و دولتهای سنتی نشین همسایه ایران، همچون امپراتوری‌های عثمانی و ازبک، در جریان بود سبب شد که آیین تشیع به امری هویتی برای ایرانیان و دولت سیاسی آنان تبدیل و در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی صفویان نمایان شود (سیوری، ۱۳۷۲: ۲۶). در این میان، اقوام مرزنشین ایرانی، همچون ترکمن‌ها در شمال ایران، بلوچ‌ها در شرق و کردها در غرب ایران، به خاطر تداوم قومیتی و ارتباطات میان‌فرهنگی همچنان به مذهب قوم خود پایبند ماندند، در حالی که دولت مرکزی ایران در تمامی این دوران و پس از آن با محوریت تشیع باقی ماند (صفا، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۶) و حفظ و گسترش این آیین را دستور کار خویش قرار داد. با این وجود، پس از تشکیل دولت پهلوی و گسترش سیاست‌های عرفی، اختلافات میان تشیع و تسنن زیر سایه حاکمیت استبدادی از اولویت خارج شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیز با وجود آنکه آیین رسمی کشور باز هم مذهب تشیع قرار گرفت، اما مذاهب دیگر اسلامی بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی، دارای احترام کامل و آزاد تلقی شدند. ولی در موازنه تشیع - تسنن اسلامی، شیعه‌مداری دولت مدرن مرکزی کشور در کنار

تمام احتیاطهای قانونی باز هم موجب تقویت یکطرف شده و برخی از رهبران اهل سنت منطقه در قبال ایدئولوژی انقلابی شیعی، به اتخاذ تاکتیکهای مقاومتی دست زدند. به علاوه، این امر با رویارویی هویت قومی در مقابل هویت ملی در خصوص مرزنشینان اهل سنت بعنوان تر نیز شد.

سال سیزدهم، شماره هفدهم، پیاپی ۹۶

جنبش مقاومت مردمی ایران (موسوم به جندالله)^۱

این گروه شبہ نظامی در سال ۱۳۸۲ توسط عبدالمالک ریگی (۱۳۵۹ - ۱۳۸۹)، از دانش آموخته های مدارس مذهبی پاکستان (کاشانی، بی تا، رادیو بلوج)، در بلوچستان ایران تأسیس شد و هدف خود را تامین حقوق مذهبی و قومی قوم بلوج و اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان ایران اعلام کرد، اما همواره بر خود مختاری منطقه ای بلوچستان و عدم جدایی طلبی خویش تأکید نموده است.

بر اساس اطلاعاتی که از بیانیه های این گروه در وبلاگ های رسمی بر می آید، ساختار گروه از یک شورای مرکزی و چهار شاخه نظامی، فرهنگی، قضایی و امنیتی تشکیل یافته است که در آن میان، شاخه نظامی فعال تر به نظر می رسد و تاکنون حملات نظامی را در منطقه بلوچستان ایران صورت داده است که از جمله مهم ترین آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حمله به کاروان انتقال رئیس جمهور در مناطق کویری سیستان (۱۳۸۴/۹/۲۳).
۲. حادثه تاسوکی: قتل ۲۲ تن از مسافران عبوری از محور زابل به زاهدان؛ آتش زدن شش خودروی متعلق به مسافران؛ اسارت عده ای نامعلوم از مسافران عبوری؛ زخمی شدن فرماندار زاهدان (۱۳۸۴/۱۲/۲۵).

۱. در این مقاله از این به بعد به عنوان «گروه» ذکر می شود.

- ❖ ۳. حمله به اتوبوس حامل نیروهای سپاه پاسداران با خودروی حامل مواد منجره (۱۳۸۵/۱۱/۲۵).
۴. بمب‌گذاری در مسجد علی بن ابیطالب زاهدان (۱۳۸۷/۳/۷).
۵. حمله به مسجد جامع زاهدان (۱۳۸۹/۴/۲۴).
- از ابتدای تأسیس گروه تا زمان دستگیری و اعدام عبدالمالک ریگی (۱۳۸۹)، وی رهبری امور گروه خود را بر عهده داشت، اما پس از آن، محمد ظاهر بلوج به عنوان رهبر گروه انتخاب و پس از دستگیری عبدالمالک مشخص شد این گروه مورد سوءاستفاده سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است.

ادبیات نظری

خشونت سیاسی

خشونت سیاسی، کنشی جمعی است که هدف و دستاویز آن به لحاظ نمادین، اجتماعی و نه شخصی باشند. این نوع خشونت، چه در دفاع از وضع موجود و چه در جهت نقد آن با هدف کسب امتیازات اجتماعی و عایدات سیاسی صورت می‌گیرد (Bowen & Masotti, 1968: 363) و در عین حال می‌تواند، انسجام درونی گروه معارض را در قبال اهداف، روش‌ها و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی آن تقویت و بازتولید نماید. اما این جنس از خشونت در اعمال خود، مبتنی بر گفتمانی است که بهره‌برداری از چنین کنشی را مشروعیت‌بخشی می‌کند. مبنای این مشروعیت‌بخشی این ادعا است که این نوع خشونت در شرایطی اعمال می‌شود که اشکال مسالمت‌آمیز حفظ یا اعتراض به وضع موجود از شانس مقبولیت و پاسخ‌یابی برخوردار نیست. به علاوه، این خشونت جمعی هم می‌تواند به صورت سازماندهی شده ارائه گردد و فرم‌هایی همچون، جنگ‌های داخلی، جنگ‌های چریکی، بمب‌گذاری‌ها و... را در پی داشته باشد

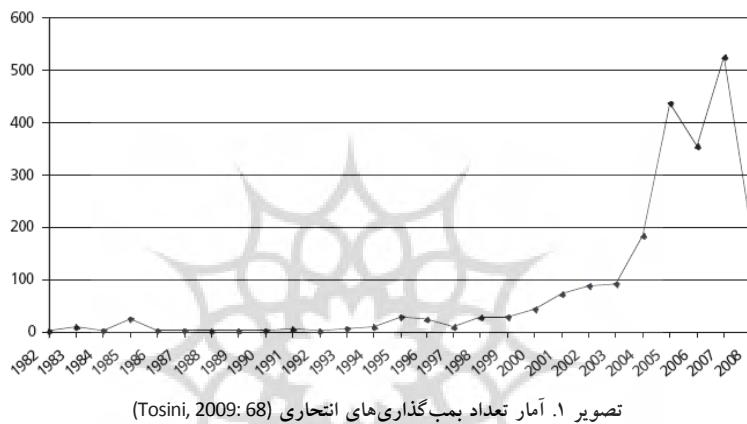
و هم صورتی سیال و غیرسازماندهی شده همچون شورش، اعتراضات خشن جمعی و... را تجربه نماید، که هر کدام از آنها سطح متفاوتی از اهداف را نسبت به دولت مرکزی دنبال می‌کنند. بیون و ماسوتی (همان: ۹) سه عامل اصلی را در تعیین سطح این اهداف بر می‌شمردند: مشروعیت نظام، ظرفیت و توانایی نظام و عوامل تسهیل‌کننده که مشتمل بر تجربه‌های پیشین اعتراضات، همراهی بین‌المللی و حضور پشتیبانی رسانه‌ای می‌باشد.

بمب‌گذاری

بمب‌گذاری نوعی از خشونت سیاسی است که موجبات مرگ دیگران را به صورت گسترده فراهم می‌آورد. هدف عملیات بمب‌گذاری تنها تخریب نیست، بلکه حاوی پیامی نمادین نیز هست. به بیان دیگر، بمب‌گذاری نوعی فعالیت ارتباطی است که از یک زبان سمبولیک بهره‌برداری می‌نماید تا پیام سیاسی خود را فریاد بزند، پیامی که از یک طرف می‌تواند در درون گروه تداعی‌کننده اهمیت همبستگی، جایگاه رهبر، تقدس اهداف و راه جنیش باشد و از طرف دیگر در برون گروه می‌تواند بیان گر احساس تنفر، تضعیف دولت مرکزی و عدم توانایی آن در حمایت از قربانیان و حتی انتقام باشد. چنین است که قربانیان این نوع از تروریسم از طرف فرستنده بر اساس ارزش‌های بازنمایی شان انتخاب می‌شوند تا حامل یک مکانیسم ارتباطی باشند: گروه بمب‌گذار به مثابه فرستنده پیام، انفجار بمب در میان جمعیت به مثابه کanal ارسال پیام و اعضاء، حامیان و طرفداران گروه به مثابه مخاطبان درون گروه پیام و دولت، جمعیت مرکزی و دیگر بازیگران بین‌المللی به مثابه مخاطبان برون گروه پیام.

در این میان، استفاده از تکنیک بمب‌گذاری به صورت انتشاری در ایران پس از

انقلاب اسلامی رشد یافت و به صورت عمدۀ توسط دو گروه معارض موسوم به «سازمان مجاهدین خلق ایران» و اخیراً نیز گروه موسوم به «جندالله» مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. به علاوه، در طی ۳۰ سال گذشته، میزان بهره‌برداری از این تکنیک، به مثابه یک تاکتیک سیاسی به صورت روزافزونی در کشورها و مناطق آشوب‌زده رشد یافته است، به گونه‌ای که از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۸ تعداد ۲ هزار و ۱۹۷ عدد بمبگذاری بدین صورت، انجام شده که از این میان، هزار و ۲۴۰ مورد آن بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و در این کشور بوده است (Tosini, 2009).



تصویر ۱. آمار تعداد بمبگذاری‌های انتحاری (Tosini, 2009: 68)

در طی سال‌های اخیر و پس از وقوع این تعداد کثیر از عملیات‌های انتحاری و خشونت‌های سیاسی، پژوهش‌ها و مقاله‌های متعددی در تبیین چرایی، تحلیل و چگونگی کنترل آنها انجام شده است. از این میان، دو پژوهش که توسط موئیک مارکس (۱۹۹۵) و گینگر و همکاران (۲۰۰۹) صورت گرفته، به موضوع و رویکرد ما در مقاله حاضر نزدیک ترند و اطلاعات ارزشمندی را از زمینه‌های مورد مطالعه خود در اختیار قرار می‌دهند.

هویت گروهی و همبستگی اجتماعی

جرمی گینگز، ایان هانسن و آرا نورن زایان در مقاله «دین و حمایت از حمله انتحاری»^۱ (۲۰۰۹) به ارائه یافته‌های خویش از چهار مطالعه وسیع در فلسطین (Gings & et al., 2009: 220-226)، شهرک‌های مناطق اشغالی (*Ibid*:227) و در مجموع نشان می‌دهند که در هیچ‌کدام از این زمینه‌های متفاوت فرهنگی، میزان اعتقاد دینی به تنها یی عامل موثر و تعیین‌کننده‌ای برای تبیین میزان حمایت دینی در قیال عملیات انتحاری نیست، بلکه میزان شرکت در نهادها و جماعت‌های دینی که به افزایش میزان همبستگی اجتماعی در میان افراد می‌انجامد، با افزایش میزان حمایت از حملات انتحاری رابطه مستقیم دارد (*Ibid*:229). لذا جماعات دینی به مثابه یک خرد فرهنگ می‌تواند مولد گفتمانی باشد که چنین کنش‌های مقاومتی را تولید و مشروع نماید.

گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی

گفتمان، مجموعه منظم و جامعی از شیوه‌ها و روش‌های خاص فکر کردن و سخن گفتن در خصوص حوزه‌هایی ویژه از حیات اجتماعی در قالب نهادهای کلی جامعه، دانش و سیاست می‌باشد و از سه بعد اصلی تشکیل شده است: کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها (شناخت‌ها) و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸). گفتمان‌ها از منظر میشل فوکو مجسم‌کننده معنا و ارتباطات اجتماعی، شکل‌دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی - سیاسی (قدرت) است که جایگاه قائل و معنای کلام وی را مشخص می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱). در حوزه

1. Religion and Support for Suicide Attacks

خشونت سیاسی، این گفتمان از تعیین جایگاه، اهداف، ایدئولوژی، وظایف، اقدامات، آینده آرمانی گروه و... تشکیل می‌گردد و خودی، غیرخودی و دشمن را از یکدیگر متمایز نموده و شیوه به کارگیری خشونت سیاسی را به مثابه نوعی رخداد ارتباطی^۱ تبیین و مشروع می‌نماید. حتی در گونه بمب‌گذاری، پیام را از طریق قربانی کردن انبوھی از جمعیت منتقل می‌کند. بمب‌گذاری دارای دو هدف هم‌زمان ارتباطی و تخریبی است و در برخی موارد اهمیت اهداف تخریبی کمتر از اهداف رسانه‌ای نیست.

مونیک مارکس در مقاله سال ۱۹۹۵ خویش، «ما برای آزادی مردم خود می‌جنگیم: توجیهات خشونت در میان جوانان فعال سوئتو»^۲، با مطالعه بر روی ۲۰ جوان عضو شاخه جوانان کنگره آفریقا و کنگره دانشجویان آفریقای جنوبی به بررسی گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی و معانی گوناگون مندرج در مبارزات خشونت‌آمیز ایشان در مقابل نظام آپارتاید می‌پردازد و پنج معنی و عامل مقوم را استخراج می‌کند:

۱. اهمیت رهبران و فراخوان ایشان در مبارزه مسلحانه به عنوان استراتژی تحول سیاسی
۲. انتقام از خشونت فیزیکی پلیس آفریقای جنوبی
۳. خشونت سیاسی به عنوان بهترین راه برای جلب توجه دولت مرکزی به خواسته‌های مخالفان
۴. خشونت سیاسی به عنوان راه مبارزه با فساد، دفاع از خود و عامل حذف افراد ناآگاه و اخطار برای دیگران

1. Communicative Event

2. We Are Fighting for the Liberation of Our People: Justifications of Violence by Activist Youth in Diepkloof Soweto

۵. خشونت به عنوان تنها راه عملی، موثر و سریع تحول سیاسی.

این معانی که تشکیل دهنده گفتمان مشروعیت بخش خشونت سیاسی است، نشان دهنده کارکرد وسیع این نوع کنش در بستر فرهنگی سوئیتو می باشد که ابزاری کارآمد برای نیل به اهداف جنبش تلقی می شده است.

چارچوب نظری

فرایند ارتباطی بمب‌گذاری به مثابه خلق واقعه رسانه‌ای

در میان انواع خشونت سیاسی، بمب‌گذاری یکی از اقتصادی‌ترین گونه‌های

ممکن ارسال پیام وسیع و موثر رسانه‌ای برای گروه معارض در زمان کوتاه می باشد

(Enders, 2006)، چرا که در فرایند بمب‌گذاری اگر چه برخی از افراد گروه به صورت

پیش‌فرض در مسیر اعمال برخی از انواع این خشونت جمعی قربانی می‌شوند؛ اما

این امر برای رهبران گروه با یک هدف ملموس مادی صورت می‌پذیرد: رسانه‌ای

شدن.

تشکیل فرایند ارتباطات جمعی یا رسانه‌ای شدن بنا به تعریف ملوین دفلور و اورت ای. دنیس روندی است که طی آن دست‌اندرکاران ارتباطات، وسیله ارتباطی را طراحی کرده و از آن برای پخش پیام به صورتی وسیع، گستردگی، سریع و پیوسته برای رسیدن به اهداف خاص و رساندن معانی معین و مشخص و اعمال نفوذ در مخاطبانی انبوه و ناهمگون استفاده می‌کنند (۵۴: ۱۳۸۳).

واقعه رسانه‌ای^۱ رویدادی است که در صورت فقدان امکان رسانه‌ای شدن روی نمی‌داد. این گونه رویدادهای خبرساز یا جریان‌ساز اساساً از آن رو طراحی و اجرا می‌شوند تا پوشش رسانه‌ای کسب کنند و جریانی رسانه‌ای را خلق یا تقویت کنند.

1. Media Event

بودریار با استفاده از مفاهیم «وانموده» و «واقعیت رسانه‌ای» جنبه مصنوعی و ساختگی بودن این گونه رویدادها را واکاوی کرده است (فیسک، ۱۳۷۶). در آثار رایج معمولاً مناسبات‌هایی را واقعه رسانه‌ای تلقی می‌کنند که توسط دولت‌ها به منظور پخش تلویزیونی در سطح ملی یا جهانی طراحی می‌شود. این وقایع شامل رویدادهای سیاسی، فرهنگی و ورزشی کلان می‌شود که به نوعی نشان‌دهنده مناسک گذار برای یک ملت در یک دوره تاریخی است (Dayan & Katz, 1992: 1).

پخش این گونه مراسم، مخاطبان را از زندگی روزمره جدا می‌سازد و آنها را به مثابه شرکت‌کنندگان در مراسم به پای تلویزیون می‌کشاند اما در مطالعات مربوط به ترویریسم در مقابل، این گروه معارض است که با استفاده از راهبرد بمب‌گذاری، امکان شکل دادن به یک واقعه رسانه‌ای فوری و بسیار موثر را پدید می‌آورد که در روز انفجار و بعد از آن می‌تواند اکثر رسانه‌های عمومی کشور، منطقه و حتی رسانه‌های بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار دهد. به بیان دیگر، این پدیده از طریق صورت‌بندی^۱ یک خبر رسانه‌ای، همراه با تمام ارزش‌های خبری ممکن، همچون تازگی، بزرگی، شهرت و..., شکل می‌گیرد و فرصتی فوق العاده را برای پیشروی به اهداف سیاسی گروه بوجود می‌آورد. این پدیده از چند پخش ارتباط‌شناسختی تشکیل شده است: فرستنده پیام، کانال ارسال پیام، ارسال پیام، مخاطبان و دریافت پیام. این حوزه‌های ارتباط‌شناسختی تشکیل‌دهنده بخش‌های اصلی مدل‌های ارتباطی در تبیین هارولد لاسول (۱۹۴۸)، کلود شنن و وارن ویور (۱۹۴۹)، ویلبر شرام (۱۹۵۲)، دیوید بولو (۱۹۶۰) و حتی اثر متأخر محسنیان‌راد (۱۳۶۹) می‌باشد. اما چگونگی رمزگذاری

1. Articulation

❖ رمزگشایی ارتباطی در بمب‌گذاری را می‌توان با اتکا بر اثر رمزگذاری و رمزگشایی در گفتمان تلویزیون استوارت هال (۱۹۸۰) مورد بررسی قرار داد.

وی برای اولین بار نگرش نوینی را به منظور مطالعه رسانه‌های جمعی، همچون برنامه‌های تلویزیونی، مطرح کرد که می‌تواند در تکمیل و تقویت شیوه مطالعه بمب‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد. الگویی که هال از چرخه معنا در گفتمان تلویزیونی ارائه می‌دهد سه مرحله متمایز را در بر می‌گیرد: رمزگذاری واقعیت: روایت رسانه از واقعیت پردازش نشده که مبتنی بر ساختار تولید، یعنی دانش، مهارت، ایدئولوژی‌های حرفه‌ای و پیش‌پنداشت‌ها درباره رسانه، مخاطبان، موقعیت و... صورت می‌گیرد (1980: 129). مرحله دوم، مرحله‌ای است که رویداد خام اجتماعی به‌وسیله گفتمان معنادار شده و در معرض مخاطب قرار می‌گیرد. هال در این باره می‌گوید: «آنچه ما انسان‌ها می‌توانیم درباره واقعیت بدانیم در گفتمان و از طریق گفتمان تولید می‌شود... و هیچ گفتمان قابل درکی بدون عملکرد یک رمزگان^۱ وجود ندارد» (*Ibid: 131*).

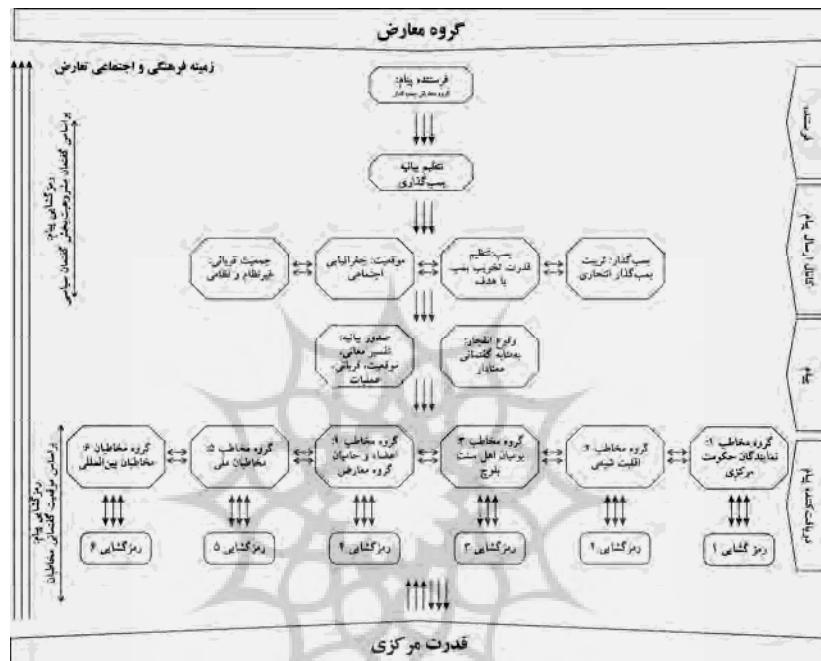
در مرحله سوم، مخاطبان با توجه به جایگاهشان در سایر گفتمان‌ها از پیام رسانه‌ای رمزگشایی می‌کنند. این مرحله تنها به معنی دریافت پیام رسانه‌ای نیست، چراکه مخاطبان مناسب با جایگاه گفتمانی‌شان به تولید دوباره و تفسیر مجدد پیام کدگذاری شده می‌پردازند و همان‌گونه که هال می‌گوید شاید دو برهه رمزگذاری و رمزگشایی کاملاً قرینه یکدیگر نباشند (*Ibid: 131*).

بر این اساس، می‌توان مدلی که در ادامه می‌آید، بمب‌گذاری به مثابه واقعه رسانه‌ای^۲ را برای فهم بمب‌گذاری در منطقه بلوچستان ایران، پیشنهاد کرد. این مدل، امکان ساده‌سازی و درک بهتر شرایط و موقعیت گروه معارض، قدرت مرکزی و عناصر معنایی را در این

1. Codes

2. Bombing as a Media Event

عملیات و پدیده رسانه‌ای به وجود می‌آورد. این مدل به دنبال آن است که با بهره‌گیری از چارچوب‌های مطالعات ارتباطی و فرهنگی، امکان فهم عمیق‌تری را از یک واقعیت خشن به وجود آورد. با اطمینان می‌توان گفت که یک بمب هیچ وقت در جایگاه یک رسانه جمعی همچون تلویزیون نمی‌نشیلد، اما با شکل‌دهی یک واقعه رسانه‌ای موثر، فرصت ایجاد یک ارتباط جمعی را خطاب به گروه‌های متنوع مخاطبان انبوه بازی می‌کند.



تصویر ۲. مدل بمب گذاری به مثابه واقعه رسانه‌ای

این واقعه رسانه‌ای که توسط گروه معارض خطاب به قدرت مرکزی در یک زمینه فرهنگی و اجتماعی صورت‌بندی می‌شود به صورت عمده از سه بخش اصلی تشکیل شده است:

پژوهش‌های شماره ۲۰، پیاپی ۲، پیاپی ۲

۱. **تولید پیام:** رمزگذاری^۱ اهداف و معانی خام توسط فرستنده بر اساس گفتمان

مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی

۲. **ارسال پیام:** وقوع انفجار و صدور بیانیه به منزله گفتمانی معنادار

۳. **دريافت پیام:** رمزگشایی^۲ از ساختارهای معنایی پیام توسط شش گروه

مخاطب انبوی این واقعه رسانه فوری، موثر و کم عمر. البته با اطمینان می‌توان گفت

که یک بمب هیچ وقت در جایگاه یک رسانه جمعی همچون تلویزیون نمی‌نشیند،

اما همان‌طور که ذکر شد به شکل‌دهی یک فرایند ارتباط جمعی فوری و موثر

می‌پردازد. در این میان، کanal ارسال «پیام رمزگذاری شده»^۳ فرستنده بر اساس مدل

از پنج بخش متمایز تشکیل شده است:

۱. **بیانیه:** در اولین قدم، گروه معارض به طراحی و تنظیم پیام خود در قالب بیانیه‌ها

و مصاحبه‌های رسانه‌ای پس از انفجار در مورد عملیات می‌پردازد تا با تکمیل فرایند

رمزگذاری، مخاطبان را در رمزگشایی و فهم این پیام بر اساس گفتمان مرجح و

مشروعیت‌بخش خود و اهداف برآمده از آن در این عملیات هدایت نماید.

۲. **عامل بمب‌گذاری:** فردی است که بر اساس گفتمان مشروعیت‌بخش

خشونت تربیت و آماده‌سازی می‌شود و می‌تواند بر اساس نوع هدف، ساختار گروه

و سطح مطالبات به حمله انتحاری یا غیرانتحاری دست زند.

۳. **بمب:** قدرت تخریب بمب مناسب با اهداف انفجار تنظیم می‌شود.

۴. **موقعیت انفجار:** موقعیت مکانی و زمانی و همچنین موقعیت فرهنگی و

اجتماعی انفجار بر اساس معنای مورد نظر عملیات تعیین می‌شود.

1. Encoding
2. Decoding
3. Encoded Message

۵. قربانی: قربانی اول این اقدام در نوع حمله انتحاری، خود بمبگذار است که توسط گروه معارض اعزام می‌شود. اما تعیین نوع و وابستگی معنایی دیگر قربانیان متناسب با گفتمان گروه مشخص می‌گردد.
مرحله بعدی این مکانیسم ارتباطی، با وقوع انفجار صورت می‌گیرد، اتفاقی که با کشته شدن بمبگذار، قتل دسته‌جمعی قربانیان نظامی و غیرنظامی و همین‌طور تخریب مکان انفجار همراه است. در این مرحله، بیانیه انفجار نیز بلافضله پس از وقوع حمله منتشر می‌شود تا به تبیین معانی، اهداف و جایگاه قربانیان در این عملیات بپردازد و در عین حال پیام‌های سیاسی نهفته در این مجموعه پیچیده و خشن را ترجمه کند.

در قبال ارسال پیام به عنوان گفتمانی معنادار (گفتمان بمب)، قدرت و حکومت مرکزی به عنوان بخش اصلی مخاطبان خارج از گروه^۱ و اعضاء و حامیان گروه معارض به عنوان حوزه اصلی مخاطبان داخل گروه تلقی می‌شوند. به علاوه، شش گروه مخاطب انبوه دیگر را نیز می‌توان بر اساس متن بیانیه‌های صادر شده از طرف گروه به عنوان نمونه مشخص کرد:

۱. نمایندگان و عاملان حکومت مرکزی در منطقه
۲. زابلی‌ها و شیعیان ساکن در بلوچستان
۳. بومیان اهل سنت بلوج و رسانه‌های ایشان
۴. اعضاء و حامیان گروه معارض
۵. مخاطبان ملی: رسانه‌ها و مردم کشور ایران
۶. مخاطبان بین‌المللی: نهادها و رسانه‌های خارجی و بین‌المللی.

گروههای مخاطب بر اساس موقعیت‌های خود در گفتمان‌های دیگر و نسبت خویش

با گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی گروه به رمزگشایی و فهم این رخداد ارتباطی

می‌پردازند. شیوه‌ها و نتایج رمزگشایی ایشان را با الهام از نگرش هال (1980: 136 - 137)

152)، می‌توان مشتمل بر سه نوع رمزگانی که در ادامه می‌آید طبقه‌بندی کرد:

۱. **رمزگان اولیه: تطابق کامل** معنی مستفادشده مخاطب با منظور بمب‌گذار

(کدگذار). بهره‌گیری از این نوع رمزگان در شرایطی صورت می‌گیرد که مخاطب از

جایگاه گفتمانی مشابه با گروه بمب‌گذار برخوردار باشد (هدف و کار خوب).

۲. **رمزگان نقادانه: به معنی بهره‌گیری مشترک از کدهای فرستنده و کدهای**

جایگزین در فهم این پیام رسانه‌ای می‌باشد. در این نوع رمزگان، بخشی از کدهای

پیام به صورت اولیه دریافت شده و بخشی دیگر با نمونه‌های جایگزین تعویض

می‌شوند. در نتیجه پیام دریافتی صورت‌بندی متفاوتی را دربر خواهد داشت

(هدفشان خوب ولی کارشان غلط است).

۳. **رمزگان تقابل جویانه: مشتمل بر کدهای ثانویه‌ای می‌شود که به منظور تقابل با**

اهداف و نتایج برآمده از گفتمان مشروعیت‌بخش گروه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در

این میان، دولت مرکزی، نمایندگان و هواداران آن اصلی‌ترین قائلان این نوع

رمزگشایی می‌باشند (هدف و کار بد). به بیان دیگر، با وقوع انفجار، قدرت مرکزی

برای مهار کردن تأثیرات رسانه‌ای این عملیات، به رمزگشایی متفاوتی از این فرایند

ارتباطی می‌پردازد و آن را از طریق رسانه‌های جمعی خود بسط می‌دهد:

الف. عملیات را به مثابه یک جنایت تفسیر می‌نماید که به کشته شدن غیرنظامیان

و نظامیان بی‌گناه انجامیده است.

الف. عملیات را به مثابه یک جنایت تفسیر می‌نماید که به کشته شدن غیرنظامیان و نظامیان بی‌گناه انجامیده است.

ب. اعضاء و وابستگان گروه را به عنوان عاملان و شریکان جرم دستگیر، تنبیه،

و حتی اعدام می کند.

ج. به ذکر خدمات و نقش موثر حکومت مرکزی در منطقه می پردازد.

د. مردم بومی را حامی دولت و گروه معارض را مجرم می خواند.

روشن‌شناسی

تحلیل گفتمانی بیانیه‌ها

مقاله حاضر بر اساس مدل ارتباط‌شناختی بمبگذاری به‌مثابه واقع رسانه‌ای طراحی شده و از آنجایی که به دنبال بررسی نحوه رمزگذاری گروه معارض از فرایند ارتباطی عملیات می‌باشد، بر روی مراحل اول تا سوم مدل متتمرکز شده و بیانیه‌های صادرشده از سوی گروه موسوم به جنبش مقاومت مردمی جندالله را در وبلاگ‌های رسمی آن به عنوان متن پژوهش مورد نظر قرار داده است. در این میان، به منظور شناخت گفتمان مشروعیت‌بخش این نوع خشونت و استخراج معانی و مضامین مقوم آن، از روش تحلیل محتوای کیفی مضمونی^۱ بهره‌برداری شد تا با اتکا بر آن، چنان‌که چارلز اسمیت می‌گوید، بتوان به کدگذاری و کشف شاخص‌های معنایی اصلی در محتواهای این مقوله‌های کلامی پرداخت و خصوصیات و تجارب نویسندها و این گروه اجتماعی را در این موقعیت زمانی - مکانی تشخیص و ارزیابی نمود و در نهایت به تحلیل مضامین، موضوعات و نوع طبقه‌بندی آنها در طی این رمزگشایی دست یافت (2: 1992). لذا، تمام بیانیه‌ها در مورد عملیات‌های بمبگذاری آن گروه استخراج شد و بر اساس ۹ مقوله اصلی زیر در دو حوزه محوری معانی و اهداف خشونت سیاسی و عناصر آن مورد بررسی قرار گرفت.

الف. عناصر خشونت سیاسی

۱. چگونگی توصیف عامل و گروه بمب گذاری
۲. چگونگی توصیف قربانی / قربانیان عملیات
۳. چگونگی توصیف موقعیت زمانی و مکانی عملیات
۴. چگونگی توصیف حکومت مرکزی.

ب. معانی و اهداف خشونت سیاسی

۱. چگونگی بیان انگیزه گروه از خشونت سیاسی
۲. چگونگی بیان مفهوم خودی (جمعیت مورد حمایت)
۳. چگونگی بیان مفهوم غیرخودی (جمعیت دشمن)
۴. چگونگی بیان نتایج و اهداف کوتاه‌مدت عملیات
۵. چگونگی بیان نتایج و اهداف بلندمدت عملیات.

نتایج

عناصر خشونت سیاسی
ویژگی‌های کلی عملیات‌ها

بیش از دو سوم دوره فعالیت هشت‌ساله گروه موسوم به جندالله یعنی از ۱۳۸۲

تا ۱۳۸۷، شامل درگیری‌های نظامی با نیروهای نظامی مقیم در منطقه می‌شود،

به گونه‌ای که ایشان در تلاش بودند با قتل، گروگانگیری و درگیری مسلحانه با نظامیان، اعضای نیروی انتظامی و سپاه پاسداران، به اهداف سیاسی خویش جامه عمل پوشانند. اما از دی ۱۳۸۷، فعالیت‌های گروه وارد فاز جدیدی شد و با

بهره‌برداری از تکنیک بمب گذاری انتحاری، که به صورت همزمان مورد استفاده دیگر گروه‌های شبکه نظامی در پاکستان، عراق، افغانستان و ... قرار می‌گرفت، هدف

خویش را بر انفجار بمب‌های کور در میان جمیعت‌های غیرنظمی قرار داد. این در حالی بود که یک سال پیش از آن، در بیانیه‌ای رسمی، هرگونه عملیات نظامی که افراد غیرنظمی را مورد آسیب قرار دهد را به خاطر «مغایرت با اصول اخلاقی و موازین بشری» محکوم نموده بود (بیانیه گروه، مرداد ۱۳۸۶).

اما با گذشت ۱۷ ماه، روش این گروه در پیگیری اهداف سیاسی و اجتماعی خویش تغییر یافت و با استفاده از بمب‌گذاری، شیعیان ساکن در بلوچستان را نیز در کنار نیروهای نظامی مورد هدف خود قرار داد. در خرداد ۱۳۸۸^{۱۰}، پس از وقوع دو میان عملیات در منطقه بلوچستان، گروه طی بیانیه‌ای استراتژی بمب‌گذاری خود را با ادعای تربیت حداقل ۵۰۰ بمب‌گذار انتشاری و هدف‌گیری تاسیسات نظامی، زیرساخت‌های اقتصادی کشور و حمله به شهرهای بزرگ تبیین کرد (بیانیه گروه، ۸ خرداد ۸۸).

چنین بود که در طول دو سال پس از آن، این گروه پنج عملیات بمب‌گذاری را به فاصله‌های تقریبی پنج ماه در منطقه بلوچستان شکل داد و سبب کشته شدن صدها غیرنظمی و نظامی در این منطقه شد. بیانیه‌های گروه به صورت منظم در سه مقطع زمانی مختلف در پنج وبلاگ مجموعه بلاگ اسپیات منتشر شدند و به صورت عمده بیانیه‌های رسمی، اخبار مهم، متن مصاحبه‌های رهبران و اعضاء گروه با دیگر رسانه‌های قومی و بین‌المللی را در بر می‌گرفت.

جدول ۱. وبلاگ‌های رسمی گروه

آدرس الکترونیک وبلاگ رسمی گروه	لغایت	از تاریخ
http://jonbeshmardom.blogspot.com	آبان ۱۳۸۶	۱۳۸۵ بهمن
http://junbish.blogspot.com	آذر ۱۳۸۹	۱۳۸۶ آبان
http://jonbesh-mardom.blogspot.com	۱۳۹۰ فروردین	۱۳۸۹ آذر
http://taftana.blogspot.com http://jundiran.blogspot.com	تاکنون	۱۳۹۰ فروردین

موقعیت عملیات‌های بمب‌گذاری

موقعیت‌های شکل‌گیری عملیات گروه، تنوع قابل توجهی دارد. در مقایسه، زمان‌ها و فضاهای مذهبی شیعیان مقیم بلوچستان به بیشترین میزان مورد هدف قرار گرفته است، همچون، انفجار در روز تاسوعا در میان دسته عزاداری شیلات چابهار (آذر ۸۹)، انفجار در روز ولادت امام حسین(ع) در مسجد زاهدان (تیر ۸۹)، عملیات در ایام فاطمیه در مسجد علی بن ابیطالب (اردیبهشت ۸۸). اما پایگاه‌های نظامی و حضور خود نظامیان نیز متغیر تعیین کننده دیگری در انتخاب نقطه انفجار می‌باشد، مانند انفجار در مقر مرکزی نیروهای فتح و رسول اکرم (اسفند ۸۷) یا بمب‌گذاری در جلسه نمایندگان سپاه و رهبران قبایل بلوچ (مهر ۸۷).

قربانیان عملیات‌های بمب‌گذاری

گروه در عملیات‌های خود همواره دو گروه را مورد هدف قرار داده است: نظامیان جمهوری اسلامی ایران و شیعیان مقیم در بلوچستان و هر دو را بیگانه در بلوچستان تعریف نموده است. اما در این میان، نیروهای نظامی و امنیتی صریحاً به عنوان نماینده دولت مرکزی تلقی می‌شوند و زabilیها و شیعیان مقیم در محل، که از حمایت دولت برخوردار هستند، وابستگانی تلقی می‌شوند که تثبیت قدرت مرکزی را به دنبال دارند (بیانیه گروه، آذر ۸۹).

بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ... ♦ ۱۴۱

جدول ۲. عناصر خشونت سیاسی عملیات‌های بمب‌گذاری توسط گروه

عناصر خشونت سیاسی بیانیه			موضوع بیانیه	تاریخ بیانیه	ردی.
تبیین گروه و عامل بمب‌گذار	تبیین موقعیت عملیات	تبیین قربانی عملیات			
<ul style="list-style-type: none"> - عامل بمب‌گذار - فرزند مؤمن، دلیر، سلحشور و غیور - ذکر نامهای واقعی عوامل بمب‌گذاری - گروه بمب‌گذار - عزت‌مندکننده مردم بلوج - بالابرندۀ پرچم حق در بلوچستان 	<ul style="list-style-type: none"> - موقعیت مذهبی: اقتصادی انجصار در روز تاسوعاً در میان دسته عزاداری شیلات بندر چابهار این منطقه اقتصادی مورد بهره‌برداری افراد غیربومی در آمده است 	<ul style="list-style-type: none"> - افراد نظامی - افراد غیر بومی 	<ul style="list-style-type: none"> - بمب‌گذاری در چابهار: عملیات انتقام ۲ 	۲۰۱۰/۱۲/۱۵ ۱۳۸۹/۰۹/۲۴	۱
<ul style="list-style-type: none"> - عامل بمب‌گذار - فرزندان ایمان و حماسه - ذکر نامهای واقعی عوامل بمب‌گذاری - گروه بمب‌گذار - شکست‌دهنده حکومت - تلاش‌گر راه خودمختاری بلوجستان 	<ul style="list-style-type: none"> - موقعیت نظایی در میان پاسداران که در مسجد زاهدان مشغول برگزاری همایش روز پاسدار بودند. 	<ul style="list-style-type: none"> - افراد نظامی - افراد غیر نظامی 	<ul style="list-style-type: none"> - بمب‌گذاری در مسجد زاهدان پاسداران بسیجیان - امام حسین(ع) و مراسم روز پاسدار 	۲۰۱۰/۷/۱۵ ۱۳۸۹/۰۴/۲۴	۲

ادامه جدول ۲. عناصر خشونت سیاسی عملیات‌های بمب‌گذاری توسط گروه

عناصر خشونت سیاسی بیانیه			موضوع بیانیه	تاریخ بیانیه	نº.
تبیین گروه و عامل بمب‌گذار	تبیین موقعیت عملیات	تبیین قربانی عملیات			
- عامل بمب‌گذار - دلیر مردان - ذکر نام واقعی عامل بمب‌گذاری - گروه بمب‌گذار - مستقم بلوجها از حکومت مرکزی - مومن، غیور، سلحشور، مبارز، شهادت طلب و از مرگ نمی‌هرستند.	- موقعیت نظمی: قومی جلسه فرماندهان سپاه با قبایل بلوج	- افراد نظامی: فرماندهان سپاه تفرقه‌انداز میان قبیله‌های بلوج	- بمب‌گذاری در جلسه نمایندگان سپاه و رهبران قبایل بلوج	۲۰۰۹/۱۰/۱۸ ۱۳۸۸/۰۷/۲۶	۳
- عامل بمب‌گذار - فرزند غیور - ذکر نام واقعی عامل بمب‌گذاری - گروه بمب‌گذار - خواستار آزادی زندانیان بلوج - ذی حق و لذا پیروز - مدافعت عقاید دینی اهل سنت - مستقم بلوجها از حکومت مرکزی	- موقعیت مدذهی: ضد تسنی در دارالسنته زاهدان عملیات به مراسم فاطمیه بسیجیان در مسجد علی‌بن ابی‌طالب در دفاع از عقاید دینی اهل سنت	- افراد غیرنظامی: زبانی‌ها و شیعیان زبانی‌ها: به مقدسات اهل سنت بی‌احترامی می‌کنند. زبانی‌ها: بازیوی حکومت مرکزی و دلیل استمرار آن زبانی‌ها: مانند اسرائیلی‌ها	- بمب‌گذاری در مسجد علی‌بن ابی‌طالب زاهدان	۲۰۰۹/۰۵/۱۸ ۱۳۸۸/۰۲/۲۸	۴

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، پیاپی ۱۳۹۱

بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ... ♦ ۱۴۳

ادامه جدول ۲. عناصر خشونت سیاسی عملیات‌های بمب‌گذاری توسط گروه

ردیف	تاریخ بیانیه	موضوع بیانیه	عناصر خشونت سیاسی بیانیه		
			تبیین گروه و عامل بمب‌گذار	تبیین موقعیت عملیات	تبیین قربانی عملیات
۴	۲۰۰۹/۰۵/۱۸ ۱۳۸۸/۰۲/۲۸	بمب‌گذاری در مسجد علی بن ابی طالب زاهدان	- مورد حمایت بلوج‌ها	زابلی‌ها: متباوز و شریک جرم اقدامات حکومت زابلی‌ها: همکار وزارت اطلاعات - پسیجان	
۵	۲۰۰۸/۱۲/۲۹ ۱۳۸۷/۱۰/۰۹	بمب‌گذاری در مقبر مرکزی نبیوهای فتح و رسول اکرم	- عامل بمب‌گذار - سلحشور - برادر عبدالمالک ریگی، رهبر جندالله - آغازگر عملیات - بمب‌گذاری انتشاری - بیانیه به توصیف فنی - میزان مواد منفجره بمب نیز می‌پردازد. - گروه بمب‌گذار - متنقم تخریب مدرسه دینی اهل سنت	- موقعیت نظامی اولین عملیات بمب‌گذاری انتشاری جندالله	- افراد نظامی

مضامین^۱: معانی و اهداف خشونت سیاسی

تضعیف دولت مرکزی

یکی از مهم‌ترین علل و انگیزه‌های مطرح در طراحی و اجرای این نوع خشونت سیاسی در بلوچستان، ایجاد فضای ضعف در دولت مرکزی و به رخ کشیدن قدرت گروه بمب گذار است. این مسئله به صورت شفاف در دو سوم بیانیه‌های این گروه در عملیات‌ها آمده است. به عنوان مثال، گروه در تفسیر عملیات «شهید اعظم»، که در پاسخ به کشته شدن عبدالمالک ریگی در مسجد زاهدان انجام گرفت، در بیانیه خود درباره این عملیات اظهار می‌دارد: «این عملیات نشان می‌دهد که رژیم ... ناتوان است، زیرا که این عملیات در قلب شهر زاهدان و در حالی که شهر زاهدان کاملاً تحت مراقبت نیروهای امنیتی و نظامی بود انجام گرفت» (بیانیه گروه، تیر ۸۹).

انتقام

در میان معانی و انگیزه‌های مذکور در بیانیه‌ها، مفهوم انتقام مهم‌ترین عامل به حساب آمده و بدون استثناء در تمامی بیانیه‌های منتشر شده توسط گروه بعد از عملیات ذکر شده است (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸).

این مفهوم که مشروعیت خود را از امکان مقابله به مثل با اعمال پیشین قربانیان به دست می‌آورد، یکی از اصلی‌ترین پایه‌های مشروعیت خشونت سیاسی است. چنان‌که ذکر شد، مونیک مارکس در مطالعه (۱۹۹۵) خود، انتقام جوانان آفریقایی از خشونت فیزیکی پلیس را نیز به عنوان معنای مشروع این کنش در میان ایشان نام می‌برد. اما نقطه غالب توجه آن است که با ادعای پاسخ به آسیب یا اهانت پیشین صورت می‌گیرد، یکی دیگر از اعضای گروه هم به خاطر این هدف، قربانی می‌شود تا

قریانیان بیشتری از گروه مقابله گرفته شود و این فرایند مسبب «شادی دل خانواده‌های داغدار» همان آسیب پیشین خوانده می‌شود (بیانیه گروه، مهر ۸۸). در این میان، این گروه شبہ نظامی نیز در تمام بیانیه‌های مفسر بمبگذاری خود، به مفهوم انتقام اشاره نموده است. اولین حادثه با ادعای انتقام تخریب یک مدرسه دینی صورت گرفت (دی ۸۷)، دو عملیات بعدی، با ادعای انتقام دستگیری و کشته شدن نیروهای وابسته به گروه (اردیبهشت و مهر ۸۸) و دو حمله آخر، با نام‌های عملیات انتقام (۱ و ۲)، با ادعای انتقام دستگیری و اعدام عبدالمالک ریگی رهبر گروه انجام شد (تیر و آذر ۸۹). اما جالب توجه آن است که تنها عملیات اول در میان نیروها و در یک مرکز نظامی انجام شد و چهار عملیات دیگر، نقطه‌های حضور مشترک سپاهیان و شیعیان ساکن در منطقه را هدف گرفته است و بسیاری از غیرنظامیان در مسیر انتقام این گروه نسبت به قربانیان خود کشته شدند.

جهاد و شهادت

از اصلی‌ترین پایه‌های معنابخش بمبگذاران، دو مفهوم دینی جهاد و شهادت است که در صورت‌بندی بیانیه‌ها از نقشی اساسی برخوردار هستند و همین امر مشابهت‌های گفتمان مشروعیت‌بخش اقدامات این گروه را با گفتمان مشابه در فرهنگ حکومتی نشان می‌دهد. به عنوان مثال، گروه در بیانیه فاجعه مسجدجامع زاهدان می‌نویسد:

دو جوان شهید با فدا کردن خود رویای دژخیمان و طاغوتیان را به خاک مالیاند و با شهید کردن خود ثابت کرند که این مبارزه و جهاد (انگلیزه) را نهایتی جز شکست و رسوایی متجاوزان و جنایتکاران نیست و نخواهد بود (بیانیه گروه، تیر ۸۹).

خودمختاری بلوچستان و تشکیل دولت منطقه‌ای

صورت‌بندی واژگانی مذهبی گروه که اهدافی سیاسی را مطرح می‌کند، مبنی بر یک ایده قومی درباره بلوچستان است. در واقع، این گروه همواره تصویر آرمانی خود را ایجاد یک خودمختاری نسیی در منطقه بلوچستان ایران اعلام کرده است؛ آرمانی که با خروج نیروهای دولت مرکزی و فراگیرتر شدن جمعیت بلوچ اهل تسنن در تمام استان صورت می‌پذیرد. در حالی که طی مصاحبه‌های متعددی، جدایی طلبی از کلیت سیاسی ایران را رد نموده است (کاشانی، بی‌تا، رادیو بلوچ).

دفاع از عقاید دینی اهل تسنن

دو عملیات آغازین گروه که در طول چهار ماه به ترتیب در دی ۸۷ و اردیبهشت ۸۸ انجام شد، با ادعای دفاع از عقاید دینی شکل گرفت. اولین اتفاق در مقر نظامی سپاهیان فتح و رسول اکرم و در پاسخ به تخریب یک مدرسه دینی صورت پذیرفت (بیانیه گروه، دی ۸۷). اما اتفاق دوم، در ایام فاطمیه و با حمله به مسجد علی‌بن ابیطالب (ع) زاهدان صورت پذیرفت، در حالی که ادعای آن دفاع از عقاید دینی اهل سنت بود و طی انتشار بیانیه ۱۳۵۵ کلمه‌ای، به مثابه طولانی‌ترین بیانیه گروه در این نوع از حملات، رمزگذاری شد (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸).

جدول ۳. معانی و اهداف خشونت سیاسی در عملیات‌های بمب‌گذاری گروه

ردیف	تاریخ بیانیه	موضوع بیانیه	معانی و اهداف خشونت سیاسی
۱	۲۰۱۰/۱۲/۱۵ ۱۳۸۹/۰۹/۲۴	بمب‌گذاری در چابهار: عملیات انتقام ۲	- انتقام انتقام اعدام رهبر جنبش امیر عبدالمالک - تضعیف دولت مرکزی قدرت و جبروت و غرور حکومت را پشکنند. افبات امکان مبارزه با حکومت مرکزی و نظامیان آن - خودمختاری بلوچستان ضرورت واگذاری بهره‌برداری مناطق اقتصادی به خود افراد بومی (بلوچ - اهل تسنن)

بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ... ♦ ۱۴۷

ادامه جدول ۳. معانی و اهداف خشونت سیاسی در عملیات‌های بمبگذاری گروه

ردیف	تاریخ بیانیه	موضوع بیانیه	معانی و اهداف خشونت سیاسی
			به دخالت‌های خود در امور دینی و مذهبی اهل سنت پایان دهد. - عملی شدن خواسته‌های جنبش شهادت و فدا کردن جان
۲	۲۰۱۰/۷/۱۵ ۱۳۸۹/۰۴/۲۴	بمب‌گذاری در مسجدجامع زاهدان (مراسم روز پاسدار)	- انتقام پاسخ به دستگیری عبدالمالک - تضعیف دولت مرکزی حکومت ضعیف، جنبش قوی - خودمختاری بلوچستان و تشکیل دولت منطقه‌ای - عبرت‌گیری و هشدار به نظامیان - جهاد - شهادت و فداکردن جان
۳	۲۰۰۹/۱۰/۱۸ ۱۳۸۸/۰۷/۲۶	بمب‌گذاری در در جلسه نمایندگان سپاه و رهبران قبایل بلوج	- انتقام این عملیات در حقیقت پاسخی به اعدام‌ها بود. سبب شادمانی خانواده‌ای که اعضاشان در مبارزه با حکومت مرکزی کشته شدند. - تضعیف دولت مرکزی جلوگیری از جلب حمایت حکومت مرکزی در میان قبایل بلوج در مقابل با آن - عبرت‌گیری و هشدار به نظامیان
۴	۲۰۰۹/۰۵/۱۸ ۱۳۸۸/۰۷/۲۸	بمب‌گذاری در مسجد علی بن ایطالب زاهدان	- انتقام علماء و جوانان شهید پاسخ به دستگیری جوانان بلوج توسط وزارت اطلاعات - خودمختاری بلوچستان - زایلی‌ها و افراد غیریومی باید هر چه زودتر بلوچستان را ترک کنند و گرنه کشته خواهند شد. - دفاع از عقاید دینی - تضعیف دولت مرکزی تهدید نیروهای نظامی حکومت مرکزی هر اعدامی در بلوچستان با شدت پاسخ داده می‌شوند. شهادت

ادامه جدول ۳. معانی و اهداف خشونت سیاسی در عملیات‌های بمبگذاری گروه

ردیف	تاریخ بیانیه	موضوع بیانیه	معانی و اهداف خشونت سیاسی
۵	۲۰۰۸/۱۲/۲۹ ۱۳۸۷/۱۰/۰۹	بمبگذاری در مقبر مرکزی نیروهای فتح و رسول اکرم	- شهادت راهی جز اهدای خون برای رسیدن به عزت و آزادی نیست. - انتقام از تخریب مدرسه دینی در زابل - تضعیف دولت مرکزی ضرورت پیوستن مردم بلوچستان به جنبش گروه برای مبارزه با حکومت مرکزی - خودمختاری بلوچستان راه رسیدن به عزت و آزادی ضرورت ترک نیروهای سپاه از بلوچستان

جمعیت غیرخودی: اقلیت شیعیان و زابلی‌ها

در میان بمبگذاری‌های گروه، مفاهیم خودی و غیرخودی از متغیرهای اصلی

پیام و معنای این کشن خشن سیاسی است. چراکه، بیانیه‌های مفسر این بمبگذاری‌ها به نحو مشخصی این مرز را از نظر دینی و قومی تعریف می‌نمایند و بدین ترتیب شیعیان غیربلوچ (زابلی‌های ساکن در منطقه بلوچستان) را به عنوان غیرخودی، متجاوز، مانند اسرائیلی‌ها، شریک حکومت مرکزی و همکار دستگاه‌های اطلاعاتی تلقی می‌نماید (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸).

جمعیت غیرخودی: تهدید نظامیان حکومت مرکزی

یکی دیگر از اهداف کوتاه‌مدت این گروه شبهنظامی، ایجاد ترس، دلهره و یأس در نیروهای نظامی دولت است. بدین معنا که با انفجارهای متعدد در میان سربازان، کادر و فرماندهان سپاه به ایجاد ترس هیجانی پرداخته و با تفسیر و بازنمایی آن، امکان مقابله منطقی با خود را غیرممکن بخواند (بیانیه گروه، تیر ۸۹).

عملی شدن خواسته‌های جنبش

بمب‌های کوری که گروه در تن یاران خود فعال می‌نماید، در کنار فریاد برای اهداف بلندمدت، نیازهای در دسترسی را نیز می‌خواند (بیانیه گروه، آذر ۸۹). جملات کلیدی این بیانیه‌ها درست مانند دیالوگ یک گروگانگیر است که با کشنیدن یکی از قربانیان و فشار دادن نوک اسلحه بر روی سر قربانی دیگر تقاضاهای خود را نیز تکرار می‌کند. به بیان دیگر، این گروه رادیکال از طریق این نوع از حملات، تلاش می‌نماید تا قدرت چانهزنی خویش را برای دستیابی به اهداف خود بالاتر ببرد.

بحث: گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی

گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی گروه، نظام معنایی است که موقعیت این گروه را در منطقه بلوچستان، فضای ملی کشور و همین‌طور فضای بین‌المللی تعریف می‌نماید و نسبت آن را با جایگاه قدرت مرکزی ایران مشخص می‌کند، به‌گونه‌ای که خودی‌ها از غیرخودی‌ها متمایز و دشمن به‌مثابه هدف تقابل در این مسیر تبیین می‌شود. در همین راستا، این گفتمان، آینده آرمانی را برای اعضاء و وابستگان گروه ترسیم می‌کند که تعیین‌کننده اهداف، انگیزه‌ها و آرمان‌های ایشان است. مجموعه این مبانی، اعمال خشونت سیاسی را به عنوان روش گروه برای نیل به آن اتوپیا تعیین می‌کند و بدین راه، انگیزه، معنا، هدف و حدود می‌بخشد. در جدول شماره ۴، خلاصه‌ای از گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی گروه در عملیات‌های بمب‌گذاری گروه آمده است و در ادامه بحث تلاش خواهد شد که مهم‌ترین مؤلفه‌های این گفتمان به تفصیل مورد بحث قرار گیرد.

جدول ۴. گفتمان خشونت سیاسی گروه مقاومت مردمی جندالله در عملیات‌های بمب‌گذاری در استان سیستان و بلوچستان ایران

غیرخودی	خودی	تعاریف
<ul style="list-style-type: none"> - شیعیان مقیم در استان بلوچستان - نمایندگان دولت مرکزی در منطقه - نظامیان دولت مرکزی 	<ul style="list-style-type: none"> - مردم اهل سنت بلوچ ایران - جمعیت مسلمانان اهل سنت جهان 	تعاریف
<p>استراتژی‌های نیل به آرمان‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - حمله به نمایندگان حکومت مرکزی در منطقه: ضرورت ترک تیروها و نمایندگان نظامی و غیرنظامی دولت مرکزی از منطقه بلوچستان - حمله به اقلیت شیعیان مقیم در منطقه: ضرورت ترک شیعیان مقیم در منطقه بلوچستان 	<p>آرمان‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> در اقتصادی گروه، بلوچستان ایران، سرزمینی خواهد بود که از: - جنبه جغرافیایی: شامل استان سیستان و بلوچستان ایران و بخش‌هایی از استان‌های هرمزگان و کرمان - جنبه اقتصادی: مرکز اقتصادی آسیا - جنبه سیاسی: منطقه خودمنختار در ایران و اداره آن توسط بلوچ‌های سنی - جنبه جمعیت‌شناسی: یکپارچه بلوچ و سنی‌مذهب - جنبه دینی: آزادی کامل دینی برای اهل سنت 	<p>آینده</p> <p>آرمانی</p> <p>سنی‌مذهب</p>
<p>قربانی</p> <ul style="list-style-type: none"> - نظامیان دولت مرکزی - اقلیت شیعیان مقیم در منطقه سیستان و بلوچستان 	<p>موقعیت عملیات</p> <ul style="list-style-type: none"> - موقعیت مذهبی مربوط به اقلیت شیعیان مقیم در منطقه - موقعیت نظامی مربوط به حکومت مرکزی ایران 	خشونت سیاسی
<p>اهداف</p> <ul style="list-style-type: none"> - تهدید شیعیان و زابلی‌ها و اجراء ایشان به ترک منطقه - تهدید نظامیان حکومت مرکزی و اجراء ایشان به ترک منطقه - خودمنختاری بلوچستان و تشکیل دولت منطقه‌ای 	<p>معانی و انگیزه‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - تضعیف دولت مرکزی - انتقام - جهاد - شهادت - دفاع از عقاید دینی اهل تسنن - عملی شدن خواسته‌های جنیش 	<p>خشونت سیاسی</p>

آینده آرمانی

از مبانی گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی، ترسیم اتوپیا ای است که گروه برای رسیدن بدان قربانی می‌دهد و قربانی می‌گیرد و همین تصویر از آینده آرمانی است که پایگاه و الگویی برای نقد قدرت و اعتراض به وضع موجود می‌گردد و در عین حال راه خشن رسیدن بدان را نیز تعریف می‌نماید.

از نظر این گروه شبہ‌نظامی، بلوچستان سرزمینی تنها متعلق به مردم بلوچ است

(بیانیه گروه، آذر ۸۹ دی ۸۷). مردمی که در قالب ملتی یکپارچه و متدين هستند و

تحت هدایت علماء دینی قرار دارند و بقیه مسلمانان اهل سنت در جهان متحد ایشان

در مقابل با دولت مرکزی ایران می‌باشند و حتی ایشان حاضرند جان‌های خود را در

این راه قربانی کنند (بیانیه گروه، خرداد ۸۸). از طرف دیگر در این آرمان شهر، استان

سیستان و بلوچستان ایران در بیانیه‌های گروه، سرزمین بلوچستانی خوانده می‌شود که از

جنبه جغرافیایی شامل استان سیستان و بلوچستان ایران و بخش‌هایی از استان‌های

هرمزگان و کرمان (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸)، از نظر سیاسی دارای خودمختاری نسیمی

در داخل خاک ایران (بیانیه گروه، آذر ۸۹ دی ۸۷)، از جنبه اقتصادی، مرکز اقتصادی

آسیا (بیانیه گروه، آذر ۸۹)، از جنبه جمعیت‌شناختی، دارای جمعیت یکپارچه بلوچ و

سنی مذهب و از نظر مذهبی، دارای آزادی کامل دینی برای اهل سنت می‌باشد (بیانیه

گروه، اردیبهشت ۸۸ دی ۸۷). اما برای نیل به این اهداف، دو استراتژی همسان به کار

گرفته می‌شوند: ضرورت ترک نیروهای نظامی در بلوچستان و ضرورت ترک شیعیان از

بلوچستان که هر دو در شعارهای بیانیه‌ها و اهداف گروه به خوبی مشهود است.

گروه معارض

بیانیه‌های بمب‌گذاری، گروه را در جایگاه یک ناجی بسیار خاص در بلوچستان

می‌نشاند. از یک طرف، فرد یا افراد بمب‌گذار فرزندان ایمان و حماسه، دلیرمرد، غیور و سلحشور خوانده می‌شوند و عکس‌ها و نام‌های واقعی ایشان در متن بیانیه‌ها منتشر می‌شود و از طرف دیگر، خود گروه متصف به عناوینی چون عزت‌مندکننده مردم بلوچ، بالابرنده پرچم حق در بلوچستان، تلاشگر راه خودمختاری بلوچستان، منتقم، مدافع عقاید دینی اهل سنت، مورد حمایت بلوچ‌ها، ذی‌حق و لذا پیروز و همین‌طور شکست‌دهنده حکومت مرکزی می‌شود. این در حالی است که این صفت‌های مثبت تنها برای کشتن افراد عادی، همچون زنان، مردان و کودکان بومی شیعه و نه عوامل محرومیت‌ساز منطقه، به کار می‌رود. این تناقض آشکار نشان می‌دهد که اساساً چنین خوانشی از خود گروه فقط خطاب به مخاطبان درون‌گروهی صورت می‌گیرد و تداعی‌کننده مشروعیت خواسته شده این گروه‌ک نظامی در بلوچستان و در میان بلوچ‌های اهل سنت می‌باشد تا انسجام درون‌گروهی را نسبت به موقعیت رهبر، روش مبارزه، اهداف و به‌طور کلی ایدئولوژی گروه تقویت نماید. چنین است که از مهم‌ترین مضامین و معانی به کار گرفته شده در بیانیه‌ها، مفاهیمی چون جهاد، شهادت و فدا کردن است که این نوع مخاطبان درون‌گروهی را تأمین می‌کند.

حکومت مرکزی

در مجموع، این گروه شبه‌نظامی دو هدف سیاسی بلندمدت در تشکیل آرمان شهر خود دارد: خروج نیروها و عناصر دولت مرکزی و تشکیل حکومت منطقه‌ای در بلوچستان و در داخل مرزهای ایران. اما تلاش برای تأمین این اهداف از طراحی واقعه رسانه‌ای می‌گذرد که به دنبال چهار بازنمایی اصلی در شیوه رمزگذاری خود است:

۱. حکومت مرکزی ضعیف است.
۲. این گروه شبه‌نظامی در مقایسه با حکومت قوی است.

۳. استان سیستان و بلوچستان ایران تنها متعلق به بلوچ‌های سنی است و تمام اجزاء آن باید توسط ایشان اداره شود.

۴. شیعیان و دولت شیعی، مشروعيت و صلاحیت اداره بلوچستان را ندارند. در همین راستا، گروه نسبت به سه حوزه از سیاست‌گذاری‌های قومی دولت مرکزی، مداخله‌های ساختاری، مداخله‌های قومی - مذهبی و تنبیه‌ها، اعتراض می‌نماید که در جدول شماره ۵ به تفصیل آمده است.

جدول ۵. حوزه‌های مورد اعتراض گروه شبهنظامی جندالله در سیاست‌گذاری‌های قومی دولت مرکزی در بلوچستان ایران

مدخله‌های ساختاری	مدخله‌های قومی - دینی	تبیه‌ها
- سیاست جانشینی جمعیت شیعیان در مناطق سنی نشین	- مذاکره با قبایل و جلب نظر	- اعدام وابستگان گروه
- تجربه منطقه بلوچستان در استان‌های همسایه	- آموزش در مدارس دینی اهل سنت	- دستگیری و حبس وابستگان ایشان
		گروه

در واقع، مسئله محوری این گفتمان سیاسی، مشروعيت دولت مرکزی در اداره استان سیستان و بلوچستان ایران است که همواره به چالش کشیده شده و تلاش می‌شود با شکل‌دهی عملیات‌های تروریستی زمینه تضعیف آن قدرت و جایگزینی آن با یک دولت محلی ممکن گردد.

نیروهای نظامی و امنیتی حکومت مرکزی ایران

ادیبات تقابل گروه با نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی همانند گفتگوهای دو طرف جنگ است، بیانیه‌های گروه، ایشان را همواره با صفاتی منفی (بیانیه گروه، اردیبهشت و مهر ۸۸) توصیف می‌کند. به علاوه، در هر پنج عملیات، نیروهای نظامی و امنیتی دولت مرکزی، قربانی اصلی یاد شده‌اند که این امر در انتقام و اعتراض به اعدام وابستگان گروه، دستگیری ایشان یا نقض مقدسات اهل سنت،

مانند برگزاری مجالس فاطمیه در مساجد اقلیت شیعی یا تخریب مدارس دینی اهل سنت، در منطقه صورت گرفته است. اما اهداف این مجموعه از کنش‌های جمعی، اقنانع‌سازی نیروهای دولت مبنی بر خروج از منطقه بلوچستان است (همان) که در دو سطح تغییر سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و ایجاد ترس و دلهره در مأموران حاضر در منطقه دنبال می‌شده است.

شال سپیده، شماره هفدهم، پیاپی ۱۳۹۶

شیعیان در منطقه بلوچستان ایران

شیعیان ساکن در استان سیستان و بلوچستان ایران، از جایگاهی دو پهلو در منطقه برخوردارند. تمرکز جمعیتی ایشان در شهر زابل سبب شده است که همواره و در هر صورتی با عنوان زابلی خوانده شوند.

جدول ۶. خواشن بمب‌گذار از قربانی: تفسیر و پیام سیاسی گروه از قربانیان عملیات‌های بمب‌گذاری خود در

بلوچستان ایران

موضوع	نیروهای دولتی (نظمی و امنیتی)	اقلیت شیعی	پیام سیاسی به دولت
توصیف	<ul style="list-style-type: none"> - مزدور - شریک در کشتار - تفرقه‌انداز 	<ul style="list-style-type: none"> - شریک جرم دولت - اداره‌کننده همه ارگان‌ها و امکانات بلوچستان - بازوی دولت - همکاران وزارت اطلاعات - دلیل استمرار و تثییت حکومت - نتیجه سیاست جانشینی جمعیت دوم 	<ul style="list-style-type: none"> - توصیف حکومت مرکزی - ضعف دولت و اثبات امکان مبارزه با آن - توصیف گروه نیروهای گروه قوی - جهاد و شهادت: از مرگ نمی‌هراسند.
اعتراض	<ul style="list-style-type: none"> - پاسخ به کشته شدن و اعدام دستگیری خانواده اعضای گروه - نقض مقدسات دینی 	<ul style="list-style-type: none"> - اعتراض به حمله شیعیان به بلوچ‌ها بعد از بم‌گذاری مسجد جامع زاهدان 	<ul style="list-style-type: none"> - اعتراض به دخالت در امور دینی و مذهبی اهل سنت - اعتراض به اعدام اعضاء و حامیان گروه

ادامه جدول ۶. خوانش بمب‌گذار از قربانی: تفسیر و پیام سیاسی گروه از قربانیان عملیات‌های بمب‌گذاری خود در
بلوچستان ایران

موضوع	نیروهای دولتی (نظمی و امنیتی)	اقلیت شیعی	پیام سیاسی به دولت
اعتراض	دینی اهل سنت 2. تخریب‌کننده مدرسه دینی	1. بسیار احترامی به مقدسات	- اسرای زندانی را آزاد کنند. - اعتراض به سیاست جانشینی جمعیت دوم - اعتراض به تجزیه بلوچستان در میان کرمان، هرمزگان، سیستان و زابلی‌ها - اعتراض به تلاش سپاه برای جلب نظر قبائل بلوچ
اهداف عملیات	- هدف اصلی بمب‌گذاری‌ها: نیروهای نظمی و امنیتی - عبرت و تهدید برای دیگر سپاهیان - خروج نیروهای نظمی و امنیتی از منطقه	- خروج شیعیان از بلوچستان - اقلیت بهمنابه گروگان	- تشکیل حکومت منطقه‌ای - خروج نیروهای دولت مرکزی

اما گرایش دینی آنها موجب می‌شود که از یک طرف در این استان، از نظر جمعیتی در اقلیت قرار بگیرند، اما از طرف دیگر به خاطر مشابهت اعتقادی با اکثریت جمعیت کشور و همین‌طور با حکومت تشیع‌مدار مرکزی از موقعیتی موثرتر در قیاس با هم استانی‌های خود برخوردار شوند.

این اقلیت در عملیات و متون بیانیه‌های گروه، قربانی درجه دوم به حساب

می‌آید و گناهکار بودن ایشان تنها در نسبتی مبهم با دولت مرکزی تعریف می‌گردد.

لذا، مجموعه عبارات توصیفی بیانیه‌های گروه درباره این اقلیت دینی تنها وصف‌کننده این نوع رابطه است: شریک جرم حکومت مرکزی، همکاران وزارت اطلاعات دولت مرکزی، بازوی حکومت، عامل ثبات حکومت در منطقه (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸) و... چنین است که هیچ‌کدام از عملیات‌ها به عنوان واکنشی

در برابر رفتار پیشینی از این اقلیت تعبیر و توجیه نمی‌شود و تنها در یک مورد، این گروه در **بیانیه ثانویه‌ای** که درباره انفجار مسجد جامع زاهدان منتشر می‌کند نسبت به عصبانیت و حمله این اقلیت به بلوچ‌ها پس از این عملیات اعتراض می‌نماید (تیر ۸۹)، ولی در هیچ‌کدام از دیگر متون رسانه‌ای گروه، نشانه و انگیزه دیگری برای پاسخ‌دهی، انتقام و تقابل نسبت به این جمعیت غیرسازماندهی شده دیده نمی‌شود.

اما اعتراض شبه‌نظمیان به این اقلیت مبتنی بر همان الگوی موقعیتی است که برای این شیعیان پدید آمده است. امری که به تصور نویسنده‌گان بیانیه‌ها موجب شده که این

اقلیت همه ارگان‌های اداری، سیاسی و اقتصادی بلوچستان را به دست بگیرند و اکثریت بومی اهل سنت را از فرصت کسب این امتیازات دور نگه دارند. این موضوع تحت

طرح سیاست جانشینی جمعیت دوم در منطقه توسط گروه مطرح می‌شود:

۱. حکومت برای تثیت قدرت منطقه‌ای خود به جانشینی جمعیت شیعیان در مناطق اهل سنت بلوچستان می‌پردازد.

۲. اداره‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز اقتصادی همچون منطقه چابهار و ... توسط غیربومیان (شیعیان و زابلی‌ها) اداره می‌شود.

۳. این نوع سیاست جمعیتی دولت با شهرکسازی‌های جدید و مصنوعی همراه است.

در قبال این موقعیت، گروه دو تاکتیک را در عملیات‌های خویش به کار گرفته

است. از یک طرف، جمعیت رو به رشد شیعیان در منطقه را به مثابه گروگان، واسطه

رسیدن به اهداف و خواسته‌های خویش می‌کند:

جنبیش مقاومت قبل اعلام کرده بود که ... در برابر حکومت ...،

متجاوزان و بیگانگان (اقلیت شیعه) اشغالگر ساکن در بلوچستان را هدف

قرار خواهد داد. این عملیات هشداری است برای دولت ایران که به

دخالت‌های خود در امور دینی و مذهبی اهل سنت پایان دهد ... اسرای زندانی را آزاد کند، که در غیر این صورت عملیات‌های استشهاهادی باشد
بیشتری ادامه خواهد یافت و تمامی بیگانگان ساکن (شیعیان) در بلوچستان هدف قرار خواهند گرفت (بیانیه گروه، آذر ۸۹).

طبق این استدلال، دولت باید خواسته‌های سیاسی گروه را اجابت نماید تا این گروه، اقلیت مورد حمایت دولت مرکزی را هدف قرار ندهد، اما همین امر سبب می‌شود که گروگانگیر برای حفظ دستاویز نفوذ خویش، گروگان‌ها را در قلمرو خود حفظ نماید تا در موقع ضرورت، دستیابی به اهداف خود را با تهدید ایشان تسريع نماید. اما مسئله اینجاست که اصلی‌ترین خواست این شبه‌نظمیان، کاستن و حذف حضور دولت مرکزی و سیاست‌های آن در منطقه است و این امر با حفظ حضور شیعیان تسهیل می‌گردد. لذا تاکتیک دوم به کار گرفته می‌شود: اعلام اخراج شیعیان از بلوچستان:

جنپیش، تمام زابلی‌ها و افراد غیربومی را شریک جرائم ... می‌داند زیرا اگر نگاهی به بلوچستان و اداره‌های آن بیندازیم می‌بینیم که از استانداری گرفته که قبلاً زابلی و الان غیربومی است همه ارگان‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی، بهداشتی و ... به دست اقلیت زابلی اداره می‌شوند ... و همه بلوچستان در اختیار اقلیت ۵ درصد زابلی می‌باشد و صاحبان اصلی این سرزمین در خاک خود هیچ اختیاری ندارند لذا زابلی‌ها و تمام غیربومیان شریک دولت هستند و ... همین زابلی‌ها و غیربومی‌ها بازو و دلیل استمرار حکومت هستند و دولت برای تثبیت خود روز به روز به جمعیت غیربومیان در بلوچستان می‌افزاید و فقط طی یک سال گذشته ۱۰ هزار غیربومی در شهر چابهار اسکان داده شدند.... زابلی‌ها و غیربومیان مانند اسرائیلیان، بلوچستان را به تصرف خود در آورده‌اند و مشغول

شهرک‌سازی در بلوچستان هستند و از سویی چنان پرروش‌لاد که در شهر و دیار اهل سنت به مقامات و عقایدشان می‌تازند و ... اما دیگر بلوچستان بیدار شده است و تا خاتمه دادن به متجاوزان به نبردش ادامه می‌دهد ... جنبش طی این اطلاعیه به طور رسمی از زبانی‌ها و غیریومیان می‌خواهد بلوچستان را ترک کنند در غیر این صورت هدف حمله قرار خواهند گرفت ... اگر غیریومیان خود را بی‌طرف می‌دانند که نیستند باید بلوچستان را ترک کنند و این برای مردم بلوچستان مسلم است که همه غیریومیان همکار وزارت اطلاعات هستند ... (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸).

این در حالی است که نهایت این اقدامات نه پیروزی نظامی بر دولت مرکزی و

نه تحول عمیق ساختاری در قدرت مرکزی ایران خوانده می‌شود بلکه تنها به دنبال

خروج نیروهای دولت مرکزی از بلوچستان و تشکیل یک دولت خودمختار بلوچ

سنی در چارچوب کلی مرزهای سیاسی ایران است.

در این میان، فرایند شکل‌گیری عناصر، معانی و اهداف خشونت سیاسی گروه مشتمل بر عوامل دیگری، همچون مداخله‌های بین‌المللی و همچنین ارتباطات میان‌فرهنگی کشورهای دیگر نیز می‌شود، اما از آنجایی که زمان و توان نویسندگان این مقاله محدود بود، لذا این مرحله از پژوهش بر روی عملیات‌های بمب‌گذاری انتحاری گروه و بیانیه‌های تبلیغاتی ایشان متمرکز شد. امید است که بتوان در مطالعات آتی، بعد از این پدیده فرهنگی ارتباطی را مورد فهم قرار داد.

سخن پایانی

گروه شبه‌نظمی از دی ۱۳۸۷ به بهره‌برداری از تکنیک ارتباط جمعی بمب‌گذاری انتحاری دست زده است تا اهداف خویش را از طریق شکل‌دهی یک

واقعه رسانه‌ای تقویت نماید و در طی این مسیر انسان‌های بسیاری قربانی شدند تا مگر اهداف سیاسی گروه جامه عمل پیوشند. باید به یاد داشت که به قول مکلوهان، رسانه خود پیام است (مکلوهان، ۱۳۵۴). به زبان دیگر، آنگاه که بمب‌گذاری مسیر ارسال پیام تلقی می‌شود تا خواستهای سیاسی را به پیش ببرد، کشتن و کشته شدن مرکز شکل‌گیری واقعه رسانه‌ای است، پدیده‌هایی که هرچند رسانه‌های گروهی دیگر را به خود جلب می‌کند، اما در عین حال، به رنج، قتل و آسیب بی‌گناهانی می‌انجامد که به صورت مستقیم هیچ دخالتی در حفظ یا تغییر سیاست‌گذاری‌های حکومت مرکزی بازی نمی‌کنند، زنان، کودکان و مردانی که قربانی می‌شوند تا تنها، رمز‌گذاری پیام در یک واقعه رسانه‌ای صورت گیرد، پدیده‌ای که القای تنفر، ارعاب و تهدید بخش‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند.

از نظر سیاست‌گذاری فرهنگی، مواجهه با گفتمان مشروعیت‌ساز بمب‌گذاری

مقدم بر مقابله با گروه بمب‌گذار است اما انتخاب این راه نیازمند تجدیدنظر در فهم و تفسیر نیازها و مقابله‌های قومی و مذهبی بلوچ‌های اهل تسنن و در نیجه بازنگری در سیاست‌های امنیت‌محور منطقه می‌باشد. به بیان دیگر، انتخاب استراتژی حکومتی در مورد اهل سنت بلوچستان باید در پاسخ به گفتمان‌سازی گروه بمب‌گذار صورت‌بندی شود؛ چرا که خواسته اصلی آنها تحمیل تفسیر خود از مقابله‌ها به حکومت مرکزی، مردم منطقه، همسایگان و جامعه جهانی است.

پرستال جامع علوم انسانی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع و مأخذ

- آمیر، پل، (۱۳۵۷). *خداوند الموت: حسن صباح*. ترجمه و اقتباس از ذیح الله منصوری. تهران: جاویدان.
- استراس، آسلم، (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنای رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسینی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۷۹). *علماء و مشروعيت دولت صفوی*. انتشارات معارف اسلامی ایران.
- دفلور، ملوین، دنیس، اورت، (۱۳۸۳). *شناخت ارتباطات جمعی*. ترجمه سیروس مرادی و ناصر باهنر. تهران: دانشکده صداوسیما.
- رضایی، سبحان، آشنا، حسام الدین، (زمستان ۱۳۸۷). «فضای گفتمانی تدوین بحار الانوار در عصر صفوی». قم: فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی. شماره ۲۴: ۵۲-۷.
- سیوری، راجر، (۱۳۷۲). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز شهابی، محمود، (بی‌تا). *گفتمان خشونت سیاسی*. پژوهش منتشر نشده.
- صفا، ذیح الله، (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات در ایران* (جلد اول). تهران: فردوسی.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته پیران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فیسک، جان، (۱۳۷۶). «تلوزیون و نوگرایی». ترجمه حسام الدین آشنا. فصلنامه رسانه سال هشتم شماره ۳: ۱۳-۸.
- کاشانی، مريم، (بی‌تاریخ). *گفتگوی روز با عبدالمالک ریگی و گروگانش*. آدرس اینترنتی رادیو بلوج اج سویدن: http://www.radiobalochi.org/Jondallah/Abdol_Malek_interview.html
- گروه مقاومت مردمی جندالله، (خرداد ۸۸). *بیانیه رسمی ۲: بمبکذاری در مسجد علی بن ابیطالب زاده*. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>

- گروه مقاومت مردمی جندالله، (اردیبهشت ۸۸). بیانیه رسمی: بمب گذاری در مسجد علی بن ابیطالب زاهدان. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>
- مردمی جندالله، (آبان ۸۹). بیانیه رسمی: دستگیری علمای اهل سنت. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>
- گروه مقاومت مردمی جندالله، (آذر ۸۹). بیانیه رسمی: بمب گذاری در چابهار. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>
- گروه مقاومت مردمی جندالله، (تیر ۸۹). بیانیه رسمی: بمب گذاری در مسجد جامع زاهدان. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>
- گروه مقاومت مردمی جندالله، (خرداد ۸۹). بیانیه رسمی: اعتراض به اعترافات تلویزیونی و دادگاه عبدالمالک ریگی. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>
- گروه مقاومت مردمی جندالله، (دی ۸۷). بیانیه رسمی: بمب گذاری در مقر مرکزی نیروهای فتح و رسول اکرم. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>
- گروه مقاومت مردمی جندالله، (شهریور ماه ۸۹). بیانیه رسمی: به مناسبت عید فطر. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>
- گروه مقاومت مردمی جندالله، (مرداد ۸۶). بیانیه رسمی: حادثه محور ایرانشهر و چابهار. وبلاگ رسمی: <http://jonbeshmardom.blogspot.com>
- گروه مقاومت مردمی جندالله، (مهر ۸۸). بیانیه رسمی: بمب گذاری در جلسه مشترک فرماندهان سپاه و رهبران قبایل بلوج. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>
- گل محمدی. احمد، (۱۳۸۹). *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*. تهران: نی.
- محسنیان راد، مهدی، (۱۳۶۹). *ارتباط‌شناسی: ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)*. تهران: سروش.
- مکلوهان، مارشال، (۱۳۵۴). *آینه‌های جیبی آقای مک لوهان*. ترجمه ابراهیم رسیدپور. تهران: سروش.
- ون‌دایک، تئون ای، (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

Berlo. David. (1960). *The Process of Communication*. New York: Rinehart and Winston
 Bowen. Don., Masotti. Louis. (1968). "Riots and Rebellions: Civil Violence in the Urban Community". CA: Sage Publication.

- Dayan. Daniel and Elihu Katz. (1992). "Media Events: The Live Broadcasting of History. Cambridge": Harvard University Press.
- Enders. Walter. Sandler. Todd. (2006). "The Political Economy of Terrorism". Cambridge University Press. US.
- Ging. Jeremy. Iam Hansen. Ara Norenzayan. (2009). "Religion and Support for Suicide Attacks". Psychological Science. Vol. 20. No. 2.
- Hall. Stuart. (1980). *Encoding and Decoding in the Television Discourse*. In S. Hall, D. Hobson, A. Lowe and P. Willis (eds), Culture, Media, and Language, London: Hutchinson, 128-38
- Laswell. Harold. (1927). *The Structure and Function in Society*. In Bryson Lyman (ed) The Communication of Ideas. New York: Harper.
- Marks. Monique. (1997). "We are fighting for the liberation of our people". Berekely Journal of Sociology: A Critical Review, Vol. 41.
- Scheramm. Wilber. (1954). *How Communication Works, in the Process and Effects of Communication*. Urbana: University of Illinois Press.
- Shannon. Claude, and Weaver. Warren. (1949). *The Mathematical Theory of Communication*. Urbana: University of Illinois Press.
- Smith. Charles. (1992). *Motivation and Personality*: Handbook of Thematic Content Analysis. University of Cambridge. US.
- Tosini. Domenico. (2009). "A Sociological Understanding of Suicide Attacks". Theory Culture Society. Vol 26. No. 4.
- Weinberg. Leonard. (2004). *Religious Fundamentalism and Political Extremism*. Frank Cass Publisher.

